ادامه از صفحه ۱۵

ترامپ و علم اقتصاد

جالب آنکه این درس را گروه‌های ناراضی به خوبی از اقتصاد جریان اصلی و به طور مشخص از اقتصاد نئوکلاسیک آموخته‌اند که سال‌هاست در تحلیل‌های علمی خود اقتصاد را خارج از دیگر تعاملات خرد و کلان اجتماعی به تصویر کشیده است. هرچند همواره امکان این استدلال وجود دارد که اگر توصیه‌های اقتصادی راه به آرمانشهر نمی‌برد، حتما به این دلیل است که به درستی اجرا نشده‌اند، اما اینکه بعد از سال‌ها تجدید نظر اقتصاد نئوکلاسیک همچنان قادر نیست مشکلات گروه کثیری را حل کند نشان‌دهنده آن است که شاید وقت آن رسیده که اقتصاد برای شکست‌هایش پاسخ‌گو باشد. تنها به این ترتیب است که راه برای انقلاب فکری در حیطه اقتصاد باز خواهد شد. همه‌ساله تفکرات بالقوه متحول‌کننده بسیاری به دلیل قرارنگرفتن در چارچوب اقتصاد دیدگاه رایج و تعلق به مکتب‌های دگراندیش اقتصادی با انگ غیرعلمی‌بودن در گوشه دانشکده‌های اقتصادی جهان از یاد برده می‌شوند. زمانی که محتوای رایج اندیشه پاسخ‌گوی نیاز زمان نیست آنچه دگراندیشی اقتصادی خوانده می‌شود قطعا سزاوار توجه بیشتری است. تا زمانی که اقتصاد جریان اصلی قدرت مالی و نهادی و سیاسی را در دست دارد، دشوار است که بتوان روی دیدگاه‌های جایگزین سرمایه‌گذاری کرد. این امر شاید تنها در صورت تصمیم دانشگاهیان موجب برقراری گفتمانی تکثرگراتر در حیطه اقتصاد عملی شود. تک‌صدایی اقتصاد جریان اصلی که نیمی از مردم آمریکا را ناامید کرده است و نبود گفتمانی جایگزین در دانشگاه‌های آمریکا که بتواند به سرعت مورد استفاده قرار گیرد، انتخاب ترامپ را برای نیمی از آمریکایی‌ها به انتخابی منطقی تبدیل کرد. بی‌تردید تجربه ترامپ تنها به ایالات متحده ختم نمی‌شود و درس‌های مهمی برای همه کشورها از جمله ایران دارد. بررسی جزئی میزان تکثرگرایی در دانشکده‌های اقتصاد ایران هرچند خود فرصتی دیگر می‌طلبد، اما امید است آنچه در این نوشته به آن اشاره شد، زنگ خطری باشد برای آگاهی از عواقب احتمالی به‌حاشیه‌راندن نظریات دگراندیش اقتصادی در دانشکده‌های اقتصادی ایران.

بیانیه انجمن صنایع پوشاک ایران به مناسبت پیام نوروزی رهبر

با استناد به فرموده رهبری معظم انقلاب، انجمن صنایع پوشاک ایران «خروج از رکود موجود» را در اولویت برنامه‌های خود قرار می دهد و ضمن پیگیری مستمر مبارزه جدی با واردات بی‌رویه و قاچاق پوشاک، آن بخش از برنامه‌های عملیاتی مطروحه در سند راهبردی صنعت پوشاک را که می‌تواند خروج از رکود موجود صنعت پوشاک را تسریع نماید، با هماهنگی مسئولان محترم مراکز ذی‌ربط در وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت - تعاون، کار و امور اجتماعی- امور اقتصادی و دارایی- فرهنگ و ارشاد اسلامی، «زمان‌بندی» و اجرائی نماید.پس از اعلان «زمان‌بندی مشخص» در هفته اول هر ماه گزارش انجمن در رابطه با نحوه اجرای برنامه‌های زمان‌بندی‌شده منتشر خواهد شد.صنعت پوشاک ایران هم‌اکنون حداقل ۲۸۰ هزار نفر اشتغال مولد در این صنعت دارد و می‌تواند طی برنامه ششم ۶۰۰ هزار شغل جدید برای صنعت پوشاک ایجاد کند.در شرایط کنونی هزینه ایجاد هر سکوی شغلی در این صنعت ۲۷۰ میلیون ریال است. با درنظرگرفتن «پایین‌ترین هزینه ایجاد شغل» در این صنعت، «داشتن بازار داخلی بزرگ تحت اشغال واردات بی‌رویه و قاچاق پوشاک»، «سهم کلان بالقوه و ازدست‌رفته صادرات پوشاک با درنظرگرفتن مزیت جغرافیایی راه جاده‌ای به بازار پرمصرف پوشاک اروپا»، و «نیروی انسانی بالنده بی‌کار» ، همه اینها سرمایه‌گذاری در این رشته پول‌ساز جهانی را در این کشور توجیه می‌نماید فقط درصورتی‌که مجریان معتقد، آگاه و دلسوز از اشتباهات فاحش گذشته پند گیرند.رهبر فرزانه انقلاب گسترش صادرات و طرف‌های صادراتی را یکی از الزامات رونق‌گرفتن تولید ملی دانستند و فرمودند گزارشی که درباره صادرات کشور منتشر شده نشان می‌دهد صادرات محدود به چند کشور است که این خلاف سیاست اقتصاد مقاومتی است. معظم‌له در زمینه صادرات همچنین فرمودند یکی دیگر از وظایف مردم برای رونق تولید داخلی اثبات حسن عمل و صحت عمل ایرانی از طریق صادرات اجناس کالای مرغوب و جلوگیری از کالای نامرغوب داخلی است.انجمن صنایع پوشاک ایران توجه مسئولان را به این مهم جلب می‌کند که صنعت پوشاک ایران در دهه هفتاد و هشتاد تجربه موفقی در صادرات پوشاک به دشوارترین بازار پوشاک اروپا، یعنی کشورهای آلمان و ایتالیا داشته است.دولت در گذشته به دلیل عدم ایفای تعهدات حداقلی به صادرکنندگان در ادوار گذشته، ریسک صادرات پوشاک را بالا برده است و تولیدکنندگان پوشاک مطرح کشور، که توان تولید صادراتی را دارند حاضر به تقبل این ریسک و ابتلا به سرنوشت صادرکنندگان نامی ادوار گذشته نیستند.دولت باید چاره‌اندیشی کند و با تمهیداتی اشتباهات گذشته را جبران نماید تا ریسک صادرات پوشاک را کاهش دهد.انجمن صنایع پوشاک ایران با اعتقاد راسخ به خروج صنعت پوشاک از رکود کنونی، بر روی ظرفیت‌سازی «تولید رقابتی» و «مشتری‌محور» چه برای بازار داخلی و چه برای صادرات تمرکز دارد.

تهران در دمشق، صنعا و مسقط نماینده ندارد

سفارتخانه‌های بدون سفیر

شرق، زینب اسماعیلی: سفیر هر کشور، گویی نماد و نماینده آن کشور است و انتخاب هر فرد به سفارت در ساختار حاکمیتی فعلی نیازمند معرفی از سوی وزارت خارجه، تأیید از سوی ریاست‌جمهوری و نهایتا دریافت تأیید از کشور میزبان است. در سال‌های دولت یازدهم که محمدجواد ظریف سکان وزارت خارجه را در دست گرفت، انتصاب برخی سفرا جزء نقاط مثبت کارنامه کاری او محسوب شد و در عین‌حال در انتصاب برخی سفرای دیگر حاشیه‌هایی ایجاد شد و حتی سخن از تأثیر سفارتخانه‌های برخی دستگاه‌های دیگر در این انتخاب‌ها و انتصاب‌ها گفته شد. همه اینها در حالی پیش رفت که سفارتخانه‌های برخی کشورهای مهم منطقه در سال‌های اخیر همچنان بدون سفیر اداره می‌شوند و در بهترین حالت همان سفرای دولت محمود احمدی‌نژاد آنها را اداره می‌کنند. درحالی‌که دیپلماسی دولت حسن روحانی با دولت پیشین یعنی دولت محمود احمدی‌نژاد تفاوت فاحشی دارد، سؤال اینجاست این سفرا چه راهبردی را با چه رویکردی در کشور مقصد به پیش می‌برند.

مسئولیت بر عهده کیست

محمدجواد ظریف روزهای پایانی سال در گفت‌وگویی با «ایسنا» در پاسخ به سؤالی درباره دخالت دستگاه‌های متعدد تصمیم‌گیر در تأیید و اعزام سفیر به‌ویژه درباره سوریه توضیح داد که «این موضوع ربطی به دستگاه‌های مختلف ندارد. در خیلی از کشورهای اروپایی نیز ممکن است روند انتخاب سفیر کشورمان، طولانی شود. عموما وزارت خارجه بعد از بررسی‌هایی که انجام می‌دهد، فرد مورد نظر خود را برای برعهده‌گرفتن پست سفیری، به ریاست‌جمهوری معرفی می‌کند، ریاست‌جمهوری نیز از دستگاه‌های مختلف نظارتی استعلام می‌کند و بعد از آن اگر رئیس‌جمهور با پیشنهاد وزارت خارجه موافقت کند، مراحل گرفتن اگرمان فرد معرفی‌شده آغاز می‌شود. درباره سوریه نیز وزارت خارجه پیشنهاد خود را به ریاست‌جمهوری اعلام کرده است و آقای رئیس‌جمهور نیز هر موقع مصلحت بدانند، نظرشان را اعلام می‌کنند و بعد از آن در صورت تأیید فرد معرفی‌شده، اقدامات لازم برای گرفتن اگرمان او آغاز می‌شود». اکنون جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عمان، یمن و سوریه سفیر ندارد و سفارت‌خانه با کاردار یا کارمندان دیگر اداره می‌شود. این در حالی است که یمن و سوریه درگیر بحران و جنگ هستند و در سه سال اخیر نیز سفیر به‌جامانده از دولت احمدی‌نژاد آن را اداره می‌کرد. حکایت عمان البته اندکی پیچیده‌تر است و منابع خبری ما از نارضایتی ضمنی کشور مقصد درباره مقیم‌نبودن سفیر خبر می‌دهند. درحالی‌که رئیس‌جمهوری به عمان سفر داشت و اکنون این کشور نقش مهمی در ترمیم مناسبات ایران در بین کشورهای عربی ایفا می‌کند، اما سفیر به‌عنوان کسی که می‌تواند این نقش را تسریع کند هنوز در مسقط مستقر نشده است. شنیده‌ها حاکی است که سفیر جدید برای کشور عمان انتخاب شده و منتظر دریافت «پذیرش» از کشور مقصد است. سفیر جدید البته جزء نیروهای نزدیک به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی محسوب می‌شود.

سفارتخانه طلسم‌شده

آخرین سفیر ایران در عمان، «علی‌اکبر سیمویه» بود که در دوره محمود احمدی‌نژاد به این سمت منصوب شد. او از پاییز ۹۱ سفیر تهران در مسقط بود و به جای حسین نوش‌آبادی نشست. سیمویه از خرداد ۹۵ به تهران بازگشته و اکنون سفارت جمهوری اسلامی ایران در کشور دوست و برادر یعنی عمان، دهمین ماه بدون سفیرش را طی می‌کند. ماجرای انتصاب سفیر جدید ایران در عمان اما کمی پیچیده شد. همان زمان که زمزمه بازگشت آقای سیمویه به تهران مطرح شد، خبرها از انتصاب جانشینش منتشر شد. جانشین او حسین امیرعبداللهیان بود که آن‌زمان معاون عربی و آفریقایی وزیر امور خارجه بود و او هم معاونی باقی‌مانده از دولت قبل در دستگاه دیپلماسی بود. به نظر می‌رسید امیرعبداللهیان که پیش‌تر در بحرین هم سابقه سفارت داشت، این پیشنهاد را بپذیرد اما او اندکی بعد گفت به دلیل ملاحظات خانوادگی، تمایل ندارد به مسقط برود. ازهمین‌رو، جابه‌جایی‌هایی چند در وزارت خارجه رخ داد. حسین جابری‌انصاری که چندماهی بود سخنگوی دستگاه دیپلماسی شده بود و البته قبلا مدیرکل حوزه عربی بود، جانشین امیرعبداللهیان شد و امیرعبداللهیان به مجلس رفت و مشاور بین‌الملل علی لاریجانی شد. مشاور بین‌الملل قبلی او یعنی حسین شیخ‌الاسلام به وزارت خارجه بازگشت. اما این جابه‌جایی به‌ویژه به دلیل سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی آن‌چنان پرسروصدا انجام شد که نمایندگان آن را در سؤال از وزیر گنجاندند. سؤال نمایندگان از وزیر امور خارجه درباره چرایی عزل امیرعبداللهیان از معاونت عربی و آفریقایی با این جواب ظریف مواجه شد که: «آقای حسین امیرعبداللهیان قرار بود سفیر کشور مهم عمان شود چراکه به تجربه‌های ایشان در این کشور نیاز داشتیم اما ایشان به دلیل مشکلات شخصی نتوانستند به این کشور بروند». بعد از همه این جابه‌جایی‌ها، همچنان سر سفارت ایران در عمان بی‌کلاه ماند و سفارت همچنان با تلاش آقای توتونچی، از کارمندان دوران سفارت آقای سیمویه به‌عنوان سرپرست موقت روزگار می‌گذراند.

> **اکنون جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عمان، یمن و سوریه سفیر ندارد و سفارت‌خانه با کاردار یا کارمندان دیگر اداره می‌شود. این در حالی است که یمن و سوریه درگیر بحران و جنگ هستند و در سه سال اخیر نیز سفیر به‌جامانده از دولت احمدی‌نژاد آن را اداره می‌کرد . حکایت عمان البته اندکی پیچیده‌تر است و منابع خبری ما از نارضایتی ضمنی کشور مقصد درباره مقیم‌نبودن سفیر خبر می‌دهند**

سفیر جدید منتظر تأیید مقصد

جدیدترین شنیده‌ها حاکی از این است که سفیر جمهوری اسلامی ایران در عمان معرفی شده و ریاست‌جمهوری هم آن را تأیید کرده است و استقرار او در مسقط نیازمند و در انتظار اگرمان از سوی دولت متبوع است. سفیر پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران در عمان، روحانی باسابقه‌ای به نام محمدرضا نوری‌شاهرودی است. حجت‌الاسلام نوری‌شاهرودی که سابقه سه دهه کار در کشورهای عربی را دارد، هم‌زمان در سال ۱۳۶۱ به‌عنوان نماینده امام خمینی اولین مسئولیت اجرائی خود را در کویت آغاز کرد، پس از آن نخست به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در جماهیر عربی لیبی و سپس در کشور عربستان‌سعودی مشغول به کار شد. نوری‌شاهرودی در سال‌های اخیر مشاور امور بین‌الملل ریاست قوه قضائیه، ریاست قوه مقننه و مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز ریاست دفتر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در مجلس خبرگان رهبری را برعهده داشته است. درحالی‌که آیت‌الله هاشمی در مورد دیپلماسی با کشورهای عربی نگاه ویژه‌ای را دنبال می‌کرد، انتصاب حجت‌الاسلام نوری‌شاهرودی با سابقه‌ای که در بالا رفت، می‌تواند نشانه خوبی باشد. اگرچه عربستان‌سعودی و ریاض با گستره و نفوذی که در کشورهای عربی دارد، از اهمیت وافری در رابطه با کشورهای عربی برخوردار است، اما درحال‌حاضر جمهوری اسلامی ایران در این کشور سفیر ندارد.

سفیر در استراحت است

سفیر ایران در یمن هم یکی از موضوعات پیچیده فعلی در کشورهای منطقه است. سیدحسین نیکنام، آخرین سفیر ایران در یمن، تاکنون دوبار تجربه بازگشت از این کشور درگیر بحران و جنگ را داشته و هردفعه ورود و خروج او با موجی از اخبار ضدونقیض و پرابهام اما در سکوت طی شده است. درحالی‌که حدود یک سال عبدربه منصور هادی، رئیس دولت وقت یمن، سفیری از سوی جمهوری اسلامی ایران را نمی‌پذیرفت، پاییز ۹۳ به دنبال موفقیت حوثی‌ها در صحنه نبرد، با حضور سفیر ایران موافقت شد. او همان زمان بیش از یک سال بود که یمن را ترک کرده بود، اما چند روز بعد در آذرماه ۹۳ بود که خودرو بمب‌گذاری‌شده مقابل منزل سفیر ایران در صنعا منفجر شده و منجر به یک کشته و ۱۷ زخمی شد. همان زمان گفته شد که سفیر ایران تنها ۱۰ دقیقه قبل از انفجار، منزل خود را ترک کرده بود. القاعده مسئولیت این حمله را برعهده گرفت. سیدحسین نیکنام از آذر ۹۳ به‌عنوان سفیر ایران در صنعا منصوب شد، اما از شهریور ۹۴ به کشور بازگشته و یک‌سال‌ونیم است که در این کشور سفیر نداریم. نیکنام اگرچه با عنوان بیماری و استفاده از استراحت سالانه به کشور بازگشت، اما درباره بازنگشتن او هیچ توضیحی داده نشد. اگرچه شاید وضعیت جنگ‌زده این کشور بازنگشتن سفیر را توجیه کند، اما از لحاظ دیپلماتیک نمی‌تواند توجیه خوبی باشد. نیکنام، کاردار اسبق سفارت ایران در بغداد، رئیس ستاد ویژه عراق و رئیس اداره اول خلیج فارس بود.

۶ ماه بدون سفیر

محمدرضا رئوف‌شیبانی، آخرین سفیر ایران در سوریه، پاییز ۹۵ شبانه به تهران بازگشت، درحالی‌که پنج سال در دمشق کار کرد و بسیاری در جبهه مقاومت او را سفیری موفق می‌دانستند. از دی‌ماه «جواد ترک‌آبادی» به‌عنوان سفیر جدید ایران در سوریه معرفی و گفته شد که این انتخاب از سوی رئیس‌جمهوری نیز مورد تأیید قرار گرفته است. ترک‌آبادی از اردیبهشت ۸۹ تا فروردین ۹۳ سفیر ایران در سودان بود، سفیر ایران در بحرین و نیجریه و کاردار جمهوری اسلامی ایران در کویت از دیگر سمت‌های او در دوران فعالیتش است. ریاست اداره اول شمال و غرب آفریقا از دیگر مسئولیت‌های ترک‌آبادی در دستگاه دیپلماسی بوده است. بااین‌حال سفارت ایران در سوریه شش ماه است که سفیر ندارد. بسیاری از کسانی‌که اخبار حوزه مقاومت را دنبال می‌کنند منتقد عدم حضور سفیر ایران در دمشق هستند و آن را با اهدافی که در سوریه دنبال می‌شود در تضاد می‌دانند. ۲۳ آذرماه محمدجواد ظریف در کمیسیون امنیت ملی درباره انتخاب سفیر در سوریه توضیح داد که «آقای شیبانی از دوستان ما و از سفرای فعال جمهوری اسلامی ایران است و در سه سال وزارت بنده، ایشان سفیر بودند. با توجه به اینکه مدت سفارت ایشان که پنج سال است، به پایان رسیده بود و برای ادامه احتیاج به مجوزهای خاص بود، باید مجوز ویژه گرفته می‌شد که بنده برای مجوز خاص اقدام نکردم، چون چنین سیاستی ندارم که مجوز ویژه بگیرم و تاکنون یک‌بار هم چنین درخواستی نداشته‌ام. درباره جایگزین ایشان به‌لحاظ حساسیت و مأموریت مهم بررسی‌های لازم صورت گرفته و سفیر انتخاب شده و به‌زودی معرفی خواهد شد». بااین‌حال هنوز سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه معرفی نشده است.

ریاض همچنان بدون سفیر

اگرچه حسن روحانی تلاش کرد رابطه با عربستان را از همان ساعات اولیه انتخاب خود به ریاست‌جمهوری تلطیف کند، اما این پیام در ریاض دریافت نشد یا دیگرگونه دریافت شد. انتخاب حسین صادقی به‌عنوان سفیری که سال‌های دولت اصلاحات نیز تجربه کار در مقام سفارت در همان کشور را داشت هم نتوانست فضا را آنچنان بهبود ببخشد. درحالی‌که بهبود رابطه نیازمند گذشت زمان و تلاش بیشتر بود، ماجرای اعدام شیخ نمر، اعتراض به اعدام او در تهران و حمله عده‌ای خودسر به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد موجب قطع رابطه ریاض با تهران شد. آنها اعضای سفارت خود را فراخواندند و به سفیر و کارکنان سفارت ایران در عربستان فرصت کوتاهی دادند تا خاک این کشور را ترک کنند. البته پیش از آن‌هم مدت‌ها بود که عربستان در ایران سفیر نداشت و سفارت در سطح کاردار اداره می‌شد.

درخواست کمک همدست زنجانی از دوست ترامپ

چندروزی است که «بنجامین بارافمن»، وکیل رضا ضراب، تاجر ایرانی - ترکیه‌ای که به دلیل نقض تحریم‌های ایران در آمریکا بازداشت است، پای شهردار سابق نیویورک را به این پرونده باز کرده است. او پنجشنبه گذشته با ارسال نامه‌ای به قاضی پرونده رضا ضراب، پیشنهاد کرد که «رادلف جولیانی»، از نزدیکان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا که سابقه شهرداری نیویورک را دارد، برای به‌نتیجه‌رسیدن این پرونده مذاکرات با مقامات دولتی در سطحی بالاتر از قضات فدرال را برعهده بگیرد.

به گزارش خبرگزاری آنا از نیویورک‌تایمز، قاضی این پرونده سه‌شنبه هفته قبل از وکیل رضا ضراب خواسته بود نقش جولیانی و مایکل ماکاسی، قاضی سابق فدرال و دادستان آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری جورج بوش را مشخص کند. همچنین براساس گزارش نیویورک‌تایمز، این دو به‌تازگی برای دیدار با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه و گفت‌وگو درباره رضا ضراب به این کشور سفر کرده‌اند.

وکیل ضراب در این نامه نوشته است: «جولیانی و ماکاسی، صرفا نقش کمک به این پرونده را دارند و این امر مستلزم فعالیت مستقیم آنها در دادگاه نیست. آنها در مذاکرات مربوط به دفاع از متهم در برابر دادستانی ایالات متحده در بخش جنوبی نیویورک نقشی ندارند».

اما بااین‌حال دادستانی روز دوشنبه هفته گذشته در نامه‌ای خطاب به قاضی پرونده نوشت که جولیانی و ماکاسی از سوی ضراب استخدام شده‌اند. در این نامه به‌طور جدی تأکید شده که این دو تلاش می‌کنند که این پرونده را در سطوح بالا در دفتر دادستانی در منهتن که این پرونده را تحت پیگرد قانونی دارد حل کنند که این به مفهوم مذاکره با مقامات ارشد وزارت دادگستری یا تلاش برای تغییر سرنوشت پرونده از مسیر دیپلماتیک است که می‌تواند سازمان‌های دیگر را دربر بگیرد. درهمین‌رابطه، نهم فروردین از دستگیری مدیر یک بانک دولتی ترکیه به اتهام دورزدن تحریم‌های ایران در آمریکا خبر داده بود.

به گزارش تسنیم به نقل از رویترز، مهمت هاکان آتیلا، معاون مدیرکل هالک بانک ترکیه، متهم به تبانی با رضا ضراب، تاجر طلای ایرانی‌الاصل، برای انجام صدهامیلیون دلار تراکنش مالی غیرقانونی از طریق بانک‌های آمریکایی از سوی دولت ایران و دیگر نهادهای ایرانی شده است. او یک روز پس از بازداشت در فرودگاه بین‌المللی جان اف کندی، در منهتن نیویورک در یک جلسه استماع در نزد قاضی جیمز فرانسیس حاضر شده است.

پنجشنبه گذشته، «بکیر بوزداغ»، وزیر دادگستری ترکیه، گفته است که بازداشت یک بانکدار ارشد ترکیه‌ای از سوی آمریکا به اتهام مشارکت در نقض تحریم‌های ایران، یک اقدام کاملا سیاسی بوده است. او گفته: هیچ مدرکی که اتهام ضراب یا ترکیه را اثبات کند، وجود ندارد. هیچ مبنای قانونی و حقوقی‌ای وجود ندارد و ترکیه این اقدام را کاملا یک توطئه سیاسی می‌داند. هدف از این اقدام خدشه‌دارکردن دولت، ملت و رئیس‌جمهور ترکیه است.

انتشار این خبر باعث شده ارزش سهام هالک بانک، پنجمین بانک بزرگ ترکیه، با افت ۱۴ درصدی روبه‌رو شود.

به گزارش رویترز، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نیز گفته است که مقام‌های آمریکایی با تحت تعقیب قراردادن ضراب، به دنبال انگیزه‌های نهان و پنهانی هستند. ضراب در مارس ۲۰۱۶ میلادی در ایالت میامی آمریکا بازداشت شد.

همچنین مولود چاووش‌اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، نیز در جریان مذاکره با رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا، در آنکارا درباره پرونده رضا ضراب گفت‌وگو کرده و مدعی شده این دستگیری براساس اهداف و انگیزه‌های سیاسی بوده است.

دادستان‌های آمریکا در کیفرخواست خود علیه ضراب او را متهم کرده‌اند که صدهامیلیون دلار برای دولت ایران و شرکت‌های ایرانی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ جابه‌جا کرده و تحریم‌های آمریکا علیه ایران را دور زده است. آنها می‌گویند ضراب به‌همراه چند نفر دیگر با فریب بانک‌های آمریکایی از طریق ثبت شرکت‌های پوششی و فاکتورهای جعلی، تحریم‌های ایران را دور زده‌اند.

رضا ضراب کیست

بابک زنجانی، متهم پرونده بزرگ‌ترین فساد مالی بعد از انقلاب، در چهاردهمین جلسه دادگاه خود نام رضا ضراب و صرافی «صفیر آلتین» که متعلق به اوست را به میان آورد. رضا ضراب متولد ۱۳۶۲ در تبریز و از یک خانواده ثروتمند است. او با «اِبرو گوندش»، خواننده سرشناس ترک، ازدواج کرده بود که به طلاق انجامید. خانواده ضراب به‌غیر از طلا، در حوزه بورس، آهن و صرافی هم فعالیت می‌کنند. کارخانه فولاد «تیکمه‌داش» در تبریز و کشتی‌سازی «رویال» در استانبول از دیگر دارایی‌های این خانواده اعلام شده است.

آذر ۱۳۹۲ پلیس ترکیه اعلام کرد در جریان ماجرای بحران فساد مالی ترکیه ۵۳ نفر را به اتهام پول‌شویی و فساد مالی بازداشت کرده است. یکی از این افراد، رضا ضراب، تاجر ایرانی، بود که به انتقال غیرقانونی محموله‌های طلا به ایران و انتقال غیرقانونی پول از طریق یک بانک متعلق به دولت ترکیه و پرداخت رشوه به نزدیکان مقامات دولتی اقدام کرده است. رسانه‌های ترکیه گفتند، ضراب به کمک هالک‌بانک در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، حدود هشت‌میلیارد دلار طلا از طریق ترکیه به ایران منتقل کرده است و فعالیت‌های اقتصادی او در ترکیه برای دورزدن تحریم‌های ایران بوده است. همچنین یکی از اتهامات ضراب مربوط به هواپیمایی است که در سال ۲۰۱۲ در فرودگاه آتاتورک به زمین نشست و از داخل آن ۱/۵ تن طلا از کشور غنا به مقصد دوبی کشف شد.

رضا ضراب در ترکیه بدون محکومیت آزاد شد، اما در فروردین سال ۹۵ در آمریکا به اتهام صدهامیلیون دلار معاملات مالی در نقض تحریم‌های آمریکا علیه ایران بازداشت شد. وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد علیه این تاجر ایرانی - ترکیه‌ای و دو شهروند ایرانی با ادعای تلاش برای دورزدن تحریم‌های ایران کیفرخواست صادر کرده است. اولین جلسه دادگاه رضا ضراب در اردیبهشت ۹۵ در نیویورک برگزار شد، ولی او اتهامات مربوط به برنامه‌ریزی توطئه برای انجام صدهامیلیون دلار مبادلات مالی برای کمک به ایران را رد کرد.

آبان ۹۵ بود که روزنامه «حریت» ترکیه اعلام کرد: «دادستان‌های فدرال در منهتن گفته‌اند «بکیر بوزداغ»، وزیر دادگستری ترکیه، خواستار آزادی ضراب از زندان و بازگرداندن او به ترکیه شده است. این مقام ترک به مقام‌های قضائی آمریکا گفته است ضراب براساس هیچ‌گونه مدرکی محکوم نمی‌شود و بدون هیچ‌گونه ادله‌ای در بازداشت به‌سر می‌برد.

خبر

رایزنی بریتانیا برای آزادی نازنین زاغری

● **ایلنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس از صحبت‌های «توبیاس الوود» وزیر امور خاورمیانه بریتانیا، وزیر خارجه و نخست‌وزیر این کشور درباره آزادی زاغری با مسئولان ایرانی خبر داد.زاغری فروردین‌ماه سال گذشته در ایران بازداشت و پس از محاکمه در دادگاه انقلاب به پنج سال حبس محکوم شد. او در این دادگاه به جرائم محرمانه متهم شده است.سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس ضمن اظهار نگرانی عمیق خود از تأیید نهایی حکم نازنین زاغری در یک دادگاه استیناف ناموفق گفت: این جرم در حالی تأیید شده که ایران اجازه ارتباط کنسول بریتانیا با زاغری را نمی‌دهد.او ضمن ابراز نگرانی نسبت به بازداشت تمامی شهروندان دوتابعیتی از جمله زاغری، گفت: «توبیاس الوود» وزیر امور خاورمیانه بریتانیا، وزیر خارجه و نخست‌وزیر موضوع آزادی زاغری را با مسئولان ایرانی مطرح کرده‌اند.او افزود: ما با خانواده نازنین زاغری از زمان بازداشت او بارها ملاقات داشته‌ایم. الوود با همسر او در لندن و با خانواده زاغری در تهران دیدار داشت تا به آنها اطمینان دهد بریتانیا همه تلاش خود را در این مسئله خواهد کرد.سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس گفت: ما به تلاش‌هایمان برای دسترسی بریتانیا به زاغری ادامه می‌دهیم و آماده‌ایم که دختر او را در امنیت کامل در صورتی که درخواست کنند، به بریتانیا برگردانیم.

ادامه از صفحه ۷

چرا اصولگرایان می‌خواهند به رئیسی رأی دهند

و حتی بخشی از بدنه متعلق به احمدی‌نژاد را جذب کند هم نام برده شده است. در این مقاله همچنین به قابلیت گمنامی رئیسی در مقایسه با سایر گزینه‌ها اشاره شده و او گزینه‌ای بکر و مصرف‌نشده در فضای اجتماعی و سیاسی توصیف شده است، قابلیتی که به اصولگرایان امکان می‌دهد از ظرفیت بهتری برای تصویرسازی مناسب از خود در جامعه برخوردار شوند و تا حد زیادی مانع تصویرسازی منفی اجتماعی رقیب از او شوند. وضعیتی که برای جلیلی یا بذرپاش به‌واسطه سابقه اجرائی و عملکردی‌شان که می‌تواند محل نقد بسیار باشد، وجود ندارد. در ادامه آن یادداشت آمده است: «کاراکتر رئیسی و رویکرد مردمی و محورمیت‌نوازی او در مسئولیت کنونی‌اش در آستان قدس رضوی به وی اجازه می‌دهد در طبقات ضعیف و مستضعف اجتماعی که گسترده‌ترین طبقات ناراضی از روحانی را تشکیل می‌دهد، استعداد اولیه برای جلب نظر آنها را دارا باشد که ظرفیت بزرگی است چراکه تقریبا بزرگ‌ترین گروه اجتماعی رأی‌دهنده در انتخابات ایران را داراست».

سرنوشت جلیلی

شیفت جبهه پایداری روی رئیسی یعنی دست‌شستن از سعید جلیلی. یعنی همه تلاش‌های یک سال اخیر او که مشخص بود هدف‌گذاری‌شده انتخابات آتی ریاست‌جمهوری را نشانه رفته بود، دود خواهد شد. برخی گزارش‌ها حاکی از این است که احتمالا درون جبهه پایداری بین تیم جلیلی و رئیسی رقابتی در خواهد گرفت. سایت انتخاب در گزارشی نوشته است: «ابتدا این رسانه‌های مجازی ابراهیم رئیسی بودند که کمپین دعوت از او را به راه انداختند. کاغذنوشته‌هایی را با مضمون دعوت از رئیسی برای حضور در انتخابات در اختیار افراد مختلف قرار می‌دادند و تصویر آن را در کانال‌های تلگرامی خود منتشر می‌کردند. هم‌زمان تصاویر طومارنویسی‌ها برای دعوت از رئیسی را نیز منتشر می‌کردند. حالا اما در رقابتی تنگاتنگ در این مورد رسانه‌های حامی جلیلی هم به تقلید از رسانه‌های رئیسی کمپین دعوت به راه انداخته و تصاویر سعید جلیلی را حتی تا سر سفره هفت‌سین و کنار سبزه و سمنو هم آورده‌اند. این رقابت البته در این سطح متوقف نشده است. تیم انتخاباتی جلیلی و رئیسی دیگر آن رودربایستی سابق را کنار گذاشته و به رزم رودرروی هم رسیده‌اند. کمپین دعوت از رئیسی که یکی از رسانه‌های اصلی او در فضای مجازی در مطلبی ابتدا گزاره عبور از دوگانه «جلیلی - قالیباف» و تبدیل آن به دوگانه «جلیلی- رئیسی » را مطرح کرد و در مطلبی درخورتوجه گزاره عبور جمنا از سعید جلیلی را نیز پررنگ کرد: «سعید جلیلی بدون توجه به گفتمان جبهه مردمی حضور قطعی خود در انتخابات را رسما اعلام کرده است و از آنجا که به قوانین داخلی جبهه مردمی بی‌اعتناست قطعا نمی‌تواند گزینه جبهه مردمی باشد». درحالی‌که حامیان رئیسی سعی دارند این شایعه را جا بیندازند که «جلیلی کفته است به‌نفع رئیسی کنار می‌روم» اما هنوز هیچ اظهارنظر رسمی و غیررسمی از سوی جلیلی و رسانه‌های منسوب یا نزدیک به او منتشر نشده است. بااین‌حال همچنان مهرداد بذرپاش یکی از گزینه‌های مهم احتمالی و رقیب جدی رئیسی است. خبرگزاری تسنیم خبر داد که ۵۱۰ فرزند شهید از بذرپاش حمایت کرده‌اند. در نامه خانواده شهدا خطاب به بذرپاش آمده است: «دعوت و حمایت ما یادگاران شهدا از جناب‌عالی برخلاف مناسبات متعارف و متداول سیاسی، یک اقدام خیرخواهانه برای بازگشت به روحیه ایثارگرانه در جامعه‌ای است که رویکرد تکنوکرات‌سالارانه مانع از دستیابی به اهداف متعالی آن است».